

نقد هویت ملی و ایرانیت تعریف‌شده در روزنامه حبل‌المتین کلکته براساس پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی

مهدی فرجی*

چکیده

از دوره ناصرالدین شاه به بعد شاهد ظهور گفتمان ملی‌گرایی و تعریفی از هویت ملی براساس مؤلفه‌های «ابدی‌باوری» در ایران هستیم. تجربه یک‌صدساله نشان می‌دهد که چنین تعریفی از هویت ملی در تحقق وحدت ملی و تأمین حقوق ایرانیان آسیب‌هایی داشته است. ازسوی دیگر، امروزه تعریف واحدی از هویت ملی در بین اندیشمندان و نخبگان وجود ندارد و بحث‌هایی جدی در این زمینه در جریان است. درحالی‌که حفظ ایران به ملی‌گرایی مبتنی بر حق حاکمیت ملت و رضایت و تأمین حقوق و منافع همه اعضای ملت نیازمند است. بر این اساس، بازخوانی و نقد تعریف هویت ملی براساس مؤلفه‌های «ابدی‌باوری» ضروری است. در این میان باوجود این‌که حبل‌المتین به ترویج مناسبات دولت و ملت در معنی مدرن پرداخته، اما هویت ملی را براساس مؤلفه‌های ابدی‌باوری تعریف می‌کند. سؤال این مقاله این است که براساس «پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی»، چه نقدی بر هویت ملی تعریف‌شده در نشریه مزبور وارد است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تعریف حبل‌المتین از ایرانیت و هویت ملی براساس تعریف قومی - فرهنگی از ملت است و نسبتی با ملت مدرن ندارد.

کلیدواژه‌ها: حبل‌المتین کلکته، ایرانیت، هویت ملی، ملت مدرن (سیاسی)، ملت قومی - فرهنگی.

* استادیار تاریخ و عضو هیئت علمی مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه تبریز،

mehdi_faraji1361@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

به دنبال ظهور تمدن جدید اروپایی، این تمدن همه جهان از جمله ایران را تحت تأثیر قرار داد. حکومت قاجاریه در واکنش به تهدیدات نظامی و اقتصادی تمدن جدید اروپایی در چند مرحله با اقتباس علوم و فنون جدید اقدام به نوسازی کرد. از طرف دیگر، به دنبال آشنایی ایرانیان با اندیشه‌ها و نظام‌های سیاسی مدرن، شاهد شکل‌گیری اندیشه‌های انتقادی و ترقی‌خواهی به‌ویژه از دوره ناصرالدین‌شاه به بعد در جامعه هستیم. قریب به اتفاق اندیشه‌های مزبور نظام استبدادی را ریشه‌تباهی‌های کشورهای اروپایی می‌کردند و خواهان استقرار دولتی قانون‌مند و دموکراتیک بودند. هم‌چنین در همین دوره شاهد ظهور گفتمان ملی‌گرایی و تعریف هویت ملی براساس مؤلفه‌های «ابدی‌باوری» هستیم. این نوع از ملی‌گرایی و تعریف از ایرانیت گسترش یافت و الگوی اصلی در تعریف هویت ملی و ایرانیت شد و در دوره رضاشاه به سیاست رسمی دولت تبدیل شد.

نکته‌گفتنی این‌که تعریف و تحقق هویت ملی مبتنی بر رضایت و برابری شهروندان و تأمین حقوق و منافع فرد فرد ملت لازمه توسعه و وحدت ملی است، اما هم‌اکنون هویت ملی و ایرانیت تعریف واحدی در بین اندیشمندان و نخبگان ندارد و بحث‌هایی جدی در این زمینه وجود دارد. از طرفی آثاری در تقویت گفتمان ملی‌گرایی قومی و زبانی و از طرف دیگر آثاری در نقد آن عرضه می‌شود. لذا می‌توان گفت که درباره مقوله هویت ملی چالش وجود دارد. به منظور حفظ ایران مقوله هویت ملی باید براساس حق حاکمیت ملت و در راستای تأمین حقوق برابر تک‌تک افراد ملت تعریف شود. تجربه یک‌صدساله نشان می‌دهد که تعریف هویت ملی و ایرانیت مبتنی بر مؤلفه‌های «ابدی‌باوری»، در تحقق وحدت ملی و تأمین حقوق ایرانیان با آسیب‌ها و چالش‌هایی همراه بوده است. یکی از راه‌کارهای جبران و حل این آسیب‌ها و چالش‌ها بازخوانی و نقد تعریف ایرانیت و هویت ملی از نوع یادشده است. بر این اساس، بررسی انتقادی آثاری که در چهارچوب چنین تعریفی از ایرانیت و هویت ملی قرار می‌گیرند امری ضروری است.

با رویکرد یادشده، این مقاله به نقد ایرانیت و هویت ملی تعریف‌شده در روزنامه *حبل‌المتین* کلکته خواهد پرداخت؛ روزنامه‌ای که یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های منتقد و ترقی‌خواه دهه‌های پایانی دوره قاجاریه است و استقرار دولت مدرن را راه‌کار اصلی ترقی کشور می‌داند و در مقالات متعددی به تبیین و ترویج مناسبات دولت و ملت در نظام‌های دموکراتیک پرداخته است؛ اما با وجود تعریف مدرنی که از مفهوم و جایگاه ملت ارائه می‌کند در تعریف ایرانیت و هویت ملی ایرانیان توجهی به مؤلفه‌های مدرن ندارد.

مقالهٔ پیش‌رو در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که ایرانی‌ت و هویت ملی تعریف‌شده و ترویج‌داده‌شده در *حبل‌المتین* با کدام‌یک از رویکردهای ملی‌گرایی مطابقت دارد و براساس «پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی» چه نقدی بر تعریف نشریهٔ مذکور از مقولات مزبور وارد است؟

معیار یا ابزار به‌کاررفته برای تحلیل سنجش و نقد هویت ملی و ایرانی‌ت تعریف‌شده در روزنامهٔ *حبل‌المتین*، «پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی» و نیز مفهوم «ملت سیاسی» است. به‌عبارت‌دیگر مفاهیم و پارادایم‌هایی که در مقاله معرفی و استفاده شده‌اند معیار و ابزار سنجش و نقدند. به همین منظور در بخش مباحث نظری مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم دولت و ملت مدرن و نیز مهم‌ترین مدعاهای دو رویکرد متمایز «ابدی‌باور» و یا «کهن‌گرا» (perennialism) و رویکرد «مدرن‌گرا» (modernism) را که رویکردهای عمده در پیوند با مفهوم ملت و ملی‌گرایی در ادبیات علوم اجتماعی‌اند برمی‌شماریم و شرح می‌دهیم.

دربارهٔ ادبیات تحقیق موضوع این پژوهش باید گفت که روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۱ - ۱۳۴۹ ق به مدت ۳۲ سال با دغدغهٔ ترقی ایران به فعالیت فکری - قلمی و ترویج مفاهیم و اندیشه‌های مدرن پرداخته است و هنوز زوایای مختلفی از اندیشه‌های این روزنامهٔ تأثیرگذار ناشناخته باقی مانده است. باوجود این‌که چندین اثر به بررسی موضوعات مختلفی از نگاه *حبل‌المتین* پرداخته‌اند،^۱ لکن تاکنون هیچ پژوهشی به‌طور مستقل به بررسی مسئلهٔ هویت ملی از منظر این روزنامه نپرداخته است.

۲. مباحث نظری

مدعای این مقاله این مسئله است که بین دریافت سیاسی (مدرن) از ملت و تحقق دولت مدرن و نیز ملی‌گرایی از نوع مدرنیسم پیوندهای نزدیکی وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، ملت سیاسی به تأسیس دولت مدرن و نیز ملی‌گرایی از نوع مدرنیسم منتهی می‌شود. ملی‌گرایی مبتنی بر مدرنیسم معطوف تحقق حق حاکمیت ملت و تأمین رضایت و حقوق برابر فرد فرد ملت است و تنوع قومی و فرهنگی را مخل وحدت ملی و ملیت نمی‌بیند. چراکه ملت مدرن (ملت سیاسی) از مؤلفه‌های عینی مانند قوم، زبان، یا دین فراتر می‌رود و تفاوت‌های قومی یا فرهنگی را به‌شمار نمی‌آورد و سازوکارش فقط با افراد هم‌پیمانی است که آن‌ها را به رعایت قوانین عام و یک‌سان برای همگان وامی‌دارد. اما دریافت قومی - فرهنگی از ملت با دولت مدرن ناسازگار است و مانع از تحقق آن می‌شود و به شکل‌گیری ملی‌گرایی از نوع

ابدی‌باور و متناسب با مؤلفه‌های عینی (طبیعی یا فرهنگی - تاریخی) منجر می‌شود. این نوع تعریف از ملت به ملی‌گرایی‌ای منجر می‌شود که نه تنها تنوع قومی و فرهنگی را مانع تحقق ملیت و وحدت ملی تلقی می‌کند، بلکه ملت را برتر از افراد و مقدم بر افراد تعریف می‌کند و این ملت است که به افراد هستی و هویت می‌دهد. در چنین تعریفی از ملت افراد اساساً همانند اعضای یک ملت تعریف می‌شوند و نه همانند شهروندان یک دولت. چنین تلقی و تعریفی از ملت به اتخاذ رفتارهای افراطی و تهدید پروژه دولت مدرن منجر می‌شود (باریه ۱۳۹۲: ۲۲، ۲۱۳-۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۳-۲۲۴؛ اسمیت ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶).

در این بین روزنامه *حبل‌المتین*، که دریافت و تعریف نسبتاً صحیحی از مفهوم دولت و ملت مدرن داشته است، در تعریف هویت ملی و ایرانیت به معیارهای مدرنیسم پای‌بند نیست و براساس معیارهای ابدی‌باوری و یا تعریف قومی - فرهنگی از ملت به تعریف هویت ملی می‌پردازد. به‌منظور سنجش تعریف *حبل‌المتین* از مفهوم دولت و ملت مدرن و نیز نقد هویت ملی تعریف‌شده در این روزنامه، در ادامه به توصیف مهم‌ترین ویژگی‌های دولت و ملت مدرن و نیز شاخصه‌های دو رویکرد عمده درباره ملت و ملی‌گرایی یعنی رویکرد ابدی‌باوری و مدرنیسم می‌پردازیم.

۱.۲ مفهوم دولت و ملت در اندیشه و نظام‌های سیاسی مدرن اروپایی

باتوجه به این‌که نشریه *حبل‌المتین* در مقالات متعددی به ترویج اندیشه دولت مدرن و تبیین مناسبات دولت و ملت پرداخته است، در این مبحث به‌منظور ارزیابی دریافت نشریه مزبور از مفهوم دولت و ملت مدرن، اشاره‌ای به ویژگی‌های اساسی دولت مدرن و مناسبات دولت و ملت در نظام‌های دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی از جمله نظام مشروطه می‌شود.

با انقلاب مهاجرنشین‌های آمریکا و استقلال آن‌ها از انگلیس و نیز با انقلاب فرانسه، نظام‌های سیاسی مدرنی پدید آمدند. در نظام‌های قدیم، قدرت به‌شکل شخصی و خودکامه اعمال می‌شد، اما در نظام مدرن قدرت از طریق نمایندگی و به‌منظور تأمین منافع عمومی اعمال می‌شود. ویژگی اصلی نظام‌های مدرن استقرار قانون اساسی است. قانون اساسی در مفهوم مدرن آن باید منشوری به نام مردم باشد تا قدرت نهادهای اصلی دولت را مستقر و تنظیم کند و مناسبات میان دولت و شهروندان را تعیین و براساس قانون اساسی عمل کند (Loughlin 2015: 2). نظر پذیرفته‌شده و غالب این است که قوانین اساسی حقوق اساسی را در جامعه دموکراتیک گرامی می‌دارند و محافظت می‌کنند. برپایه این رویکرد، قانون اساسی

چهارچوبی برای شهروندان ارائه می‌دهد تا با روشی دموکراتیک رفتار کنند و براساس آن به‌طور برابر مستحق احترام و اهمیت باشند (Bellemey 2007: 1). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در جامعه دموکراتیک مفهوم حقوق و احترام برابر حاکم است (Bellemey 2007: 7). مورکنس در بررسی اندیشه مشروطه‌خواهی انگلیس می‌نویسد: مشروطیت در سه موضوع «حاکمیت قانون»، «تفکیک قدرت»، و «روابط میان دولت و شهروندان» اهداف اساسی خود را دنبال می‌کند (Murkens 2009: 441-442). دربارهٔ محورها و اهداف مشروطیت می‌نویسد که حاکمیت قانون یکی از اصول قانون اساسی است که تجزیه قدرت و اصل برابری همگان در پیشگاه قانون را در بر دارد. دربارهٔ مناسبات دولت و شهروندان، هرگونه دخالت دولت در آزادی و دارایی افراد باید در قوانین عمومی مشخص شود. لذا براساس اصل حاکمیت قانون استقلال و شأن افراد مورداحترام قرار می‌گیرد (Murkens 2009: 442-444).

افزون‌بر تعاریف مزبور از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دولت و ملت مدرن، تعریف موریس باریبه (Murice Barbier) از دولت مدرن درکی دقیق از چیستی دولت مدرن و نیز تفاوت آن با دولت پیشامدرن ارائه می‌کند. باریبه در تلاشی برای تعریف دقیق و روشنی از ماهیت دولت مدرن معتقد است که تفاوت‌هایی بنیادین و نه‌چندان آشکار بین دولت‌های پیشامدرن و مدرن وجود دارد که آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد. برای مشخص کردن این تفاوت‌ها در تعریف ماهیت دولت پیشامدرن و مدرن او معتقد است در دولت پیشامدرن اعضای اجتماع اجزای یک کل محسوب می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، افراد نه خودمختاری شخصی دارند و نه بیرون از جماعت هستی مستقلی دارند. در این حالت گروه بر افراد برتری دارد و افراد فقط در گروه و به‌یاری گروه می‌توانند وجود داشته باشند. تفاوت بنیادین دولت مدرن در جدایی میان دولت سیاسی و جامعه مدنی، میان عرصه عمومی و عرصه خصوصی و میان شهروند و فرد است (باریبه ۱۳۹۲: ۱۶-۱۹). این جدایی دو نوع حقوق را پدید می‌آورد. نخست، حقوق شهروند یعنی حقوقی که به‌عنوان عضو دولت به شهروند تعلق می‌گیرد و برای مشارکت در زندگی سیاسی برایش ضرورت دارد و آن را حقوق شهروندی یا سیاسی می‌توان اطلاق کرد. دوم، حقوق فرد به‌مثابه فرد یعنی حقوقی که فرد به‌مثابه عضو جامعه مدنی داراست و برای زندگی و فعالیت‌های خصوصی‌اش ضروری است (باریبه ۱۳۹۲: ۱۷۱). باریبه بر این باور است که نتیجه چنین تمایزی که ماهیت دولت مدرن براساس آن شکل گرفته این می‌شود که انسان به جزئی از یک کل تقلیل نیابد که آن کل از او پیش رود و بر او تسلط یابد. جدایی میان دولت و جامعه و

حقوقی که از آن صادر می‌شود به انسان امکان می‌دهد تا از تسلط گروه رها شود و همانند فرد خودمختار هستی داشته باشد (باریه ۱۳۹۲: ۱۸).

۲.۲ مفروضات پارادایم ابدی‌باوری و مدرنیستی در قبال ملت و ملی‌گرایی

در ادبیات علوم اجتماعی در پیوند با مفهوم ملت و ملی‌گرایی، عمدتاً دو رویکرد و ره‌یافت متمایز ابدی‌باور یا کهن‌گرا، و ره‌یافت مدرن‌گرا وجود دارد. مهم‌ترین اصول و ادعاهای ابدی‌باوران و مدرنیست‌ها در تعریف و ساخت ملت بدین شرح است:

مدرنیسم	ابدی‌باوری
۱. ملت اجتماعی - سیاسی سرزمینی‌شده، اجتماعی مدنی با شهروندانی به‌لحاظ حقوقی برابر در سرزمینی خاص است.	۱. ملت اجتماعی قومی - فرهنگی سیاسی، اجتماعی مبتنی بر نیاکان مشترک است.
۲. پدیده‌ای هم متأخر و و هم تازه است که محصول موقعیتی کاملاً مدرن است.	۲. موجودیتی سرسخت، دیرینه، و با قرن‌ها اگر نگوییم هزاره‌ها سابقه تاریخی است.
۳. ملت آفریده‌ای است که آگاهانه و دانسته توسط اعضایش یا آحاد و اجزای خودش ساخته می‌شود.	۳. ملت در زمان و مکان «ریشه دارد»؛ دارای وطنی تاریخی است.
۴. ملت را طبقات ممتاز آگاهانه می‌سازند و برآن‌اند که با نفوذ در شور و احساسات توده‌ها به هدف خود برسند.	۴. اجتماعی همگانی یا اجتماع مردم است و نیازها و آرزوهای آن‌ها را منعکس می‌کند.
۵. تعلق به ملت به معنی مالکیت برخی منابع است. امکانی برای اقدام است.	۵. تعلق به ملت به معنی داشتن برخی صفات و کیفیات است. نوعی وضعیت بودن است.
۶. نوعاً چندپاره است و به گروه‌های اجتماعی (منطقه‌ای، طبقاتی، دینی، و جز آن) با منافع و اهداف خاص خود تقسیم می‌شود.	۶. «کل»ی یک‌دست با اراده و خصلتی واحد است.
۷. اصول اتحاد ملی را می‌توان براساس ارتباطات اجتماعی و شهروندی قرار داد (اسمیت ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶).	۷. اصول اساسی ملت‌ها پیوندهای اجدادی و فرهنگ اصیل است.

در توضیحی دیگر باید گفت که ابدی‌باوری به قدمت تاریخی آن نوع سازمان اجتماعی و سیاسی موسوم به ملت و خصلت دیرینه یا ابدیت آن تأکید دارد. در این نگرش، تفاوت اندکی بین قومیت و ملیت وجود دارد. ملت‌ها و اجتماعات قومی پدیده‌های نزدیک به هم و حتی یک‌سانی هستند. ابدی‌باور ملی‌گرایی را قبل از دوره مدرن در مقام نوعی جنبش و ایدئولوژی سیاسی می‌پذیرد، اما ملت‌ها را یا بدل‌های متداول اجتماعات قومی کهن یا هویت‌های فرهنگ جمعی تلقی می‌کند که هم‌راه با اجتماعات قومی در همه دوران‌های تاریخ بشری وجود داشته‌اند (اسمیت ۱۳۹۴: ۳۰۶).

رویکرد غلیظ‌تر ابدی‌باوری بر این باور است که ملت‌ها نوعی پدیده ابدی و ازلی (perimordial) هستند که همواره وجود داشته‌اند و مفهوم آن‌ها کاملاً با مفهوم قومیت

نزدیکی دارد. در رویکرد افراطی‌تر ابدی‌باوری، ملت نوعی «طبیعی» از اتحاد انسان‌ها به‌شمار می‌آید و این‌گرایش طبعاً در ملت‌های موجود هم به‌دنبال یافتن طبیعت و ذات مشترک است (برتون ۱۳۸۷: ۲۴۴).

به رویکرد افراطی ابدی‌باوری در تعریف ملت‌ها ملی‌گرایی «ارگانیک» گفته می‌شود. مدرنیسم بین نوع «اختیار باور» ملی‌گرایی که ملت را جمع آزادانه مردمان عاقلی می‌بیند که از روی اراده و بر مبنای فردی صورت گرفته است و نوع «ارگانیک» ملی‌گرایی که معتقد است ملت ارگانسمی با خصلت ثابت و زایل‌نشدنی است که از بدو تولد بر ضمیر اعضای خود نقش می‌بندد و آنان هرگز نمی‌توانند خود را از آن خلاص کنند تمایز قائل است. به‌باور ملی‌گرایی ارگانیک، جهان متشکل از ملت‌های طبیعی است و همواره چنین بوده است؛ ملت‌ها بنیاد تاریخ و بازیگران عمده نمایش تاریخ‌اند. ملت‌ها و خصلت‌هایشان ارگانسم‌هایی هستند که به‌سهولت با تفاوت‌های فرهنگی‌شان معلوم و شناخته می‌شوند. در ملی‌گرایی از نوع ارگانیک، که شکل افراطی‌تر ابدی‌باوری است، مفاهیم و ادعاهای بیولوژیک و نژادی مطرح است. لکن پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی با تردید به این عقاید می‌نگرد. بر اساس پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی، جهان از ملت‌های طبیعی تشکیل نمی‌شود؛ ملت‌های طبیعی یا ارگانیک ساخته و پرداخته ذهن انسان‌هاست. بر اساس پارادایم مدرنیستی، ملت‌ها پیش از دوران مدرن عمدتاً ناشناخته بودند و انسان‌ها تعلقات و وابستگی‌های متعدد و متکثری داشتند؛ اجتماعات دینی، شهرها، امپراتوری‌ها، و پادشاهی‌ها بازیگران جمعی اصلی بودند و اکثر مردم هم‌بستگی و وفاداری محلی داشتند. از همین رو، ایده مدرنیستی ملی‌گرایی با مطرح کردن برخی مسائل به نقد ملی‌گرایی ارگانیک و تبیین بی‌اعتباری مفروضات این نوع از ملی‌گرایی می‌پردازد؛ مسائلی از این دست که تعریف کردن خصلت و شناخت قطعی تفاوت‌های فرهنگی بسیاری از ملت‌ها در جهان معاصر با در نظر گرفتن کثرت هویت‌های متداخل که افراد در آن قرار دارند کار بسیار دشواری است؛ نمی‌توان استمرار گروه‌های قومی و ملت‌ها را بر پایه توارث بیولوژیکی و ژنتیکی و تبیین‌های اجتماعی - زیستی توضیح داد؛ و در نهایت این پرسش که آیا واقعاً می‌توان صحت انتساب به نیاکان واقعی یا منسوب را تأیید کرد؟ (اسمیت ۱۳۹۴: ۲۸۲-۲۹۱؛ اسمیت ۱۳۸۳: ۷۶-۷۸).

رویکرد و مفروضات ابدی‌باوری و گرایش غلیظ‌تر همین رویکرد را که تحت عنوان ملی‌گرایی ارگانیک از آن یاد شد، برخی محققان با تعبیر **ملت قومی - فرهنگی** صورت‌بندی کرده‌اند. موریس باریه در کتاب *مدرنیته سیاسی مفهوم ملت قومی - فرهنگی*

را در تعریف بسیار نزدیک و بعضاً تعریفی برابر با رویکرد ابدی‌باوری و ملی‌گرایی ارگانیک چنین تعریف می‌کند:

مجموعه‌ای از مؤلفه‌های طبیعی و تاریخی از جمله قوم، فرهنگ، زبان، و دین در ساخت و تعریف ملت قومی - فرهنگی نقش دارند. این مؤلفه‌ها در میان یک گروه ملی مشترک و در ایجاد هم‌بستگی میان آن‌ها سهیم هستند. مؤلفه‌های مزبور داده‌هایی عینی هستند که افراد از آغاز به شکل منفعلانه آن‌ها را دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، ملت محصول طبیعت و تاریخ است نه مصنوع اراده افراد؛ حتی اگر افراد بعدها درخصوص آن تأمل کرده و فعالانه آن را پذیرفته باشند. لذا چنین ملتی را اعضایش آزادانه شکل نداده‌اند، بلکه پیش از آن‌ها وجود داشته و به آن‌ها قبولانده شده است. در این رویکرد، افراد ملت را تشکیل نمی‌دهند؛ بلکه برعکس، ملت است که به افراد هستی و هویت می‌دهد. بر همین اساس، گروه ملی از افراد تشکیل دهنده‌اش اهمیت بیش‌تری دارد و این افراد اساساً هم‌چون اجزای یک کل نمودار می‌شوند. در نتیجه اعضا تابع کل‌اند، به واسطه آن وجود دارند و برای آن دست به عمل می‌زنند. در واقع می‌توان گفت که از هستی ویژه و خودمختاری فردی برخوردار نیستند. برعکس، آنچه اهمیت دارد همانا هستی و استقلال ملت است. افراد در خدمت ملت‌اند و در صورت لزوم باید هستی خود را فدای آن کنند (باربیه ۱۳۹۲: ۲۱۳-۲۱۴).

باربیه مطابق با مفروضات و ادعاهای پارادایم مدرنیستی ملی‌گرایی، در تعریف ملت مدرن، تعبیر **ملت سیاسی** را به کار می‌گیرد و ملت مدرن، یا به تعبیر خودش، ملت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند که ملت سیاسی برخلاف ملت قومی - فرهنگی که روی مؤلفه‌های عینی (طبیعی یا فرهنگی) استوار شده است، بر پیمانی ارادی یا دست‌کم پذیرشی ضمنی بنا شده است و فرض را بر تعهد یا رضایت شخصی می‌گذارد. بر همین اساس، ملت سیاسی از عناصر عینی مانند قوم، زبان، یا دین فراتر می‌رود، تفاوت‌های قومی یا فرهنگی را به‌شمار نمی‌آورد و هدف خود را بدون از میان برداشتن این تفاوت‌ها فراتر از آن‌ها قرار می‌دهد. ملت سیاسی می‌تواند تنوع قومی، زبانی، یا مذهبی را در خود جای دهد، بدون آن‌که خود را با یکی از آن‌ها (حتی اگر در اکثریت باشد) یا نقشی تعیین‌کننده بازی کند) برابر بدانند. درحالی‌که ملت قومی - فرهنگی داده‌ای عینی است که خود را به اعضایش می‌قبولاند. ملت سیاسی ساخته‌ای ذهنی است که به کمک اراده اعضایش تحقق می‌یابد. بر همین اساس می‌توان گفت که «ملت قومی - فرهنگی، طبیعی یا فرهنگی است و ملت سیاسی ارادی و قراردادی» (باربیه ۱۳۹۲: ۲۳۱).

۳. *حبل‌المتین* و تعریف مدرن از مفهوم دولت و ملت

روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته استقرار نظام دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی را راه‌کار اساسی ترقی ایران می‌دانست. بر همین اساس، سال‌ها قبل از صدور فرمان مشروطیت و در مقالات متعددی به تبیین و ترویج مناسبات دولت و ملت در نظام‌های مدرن پرداخته است. مهم‌ترین ویژگی‌های دولت و ملت مدرن از منظر *حبل‌المتین* را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

مشخصات مقاله	ویژگی‌های دولت و ملت مدرن
مقالهٔ «دولت و ملت» (<i>حبل‌المتین</i> ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۷، س ۶، ش ۳۶).	- اراده و توافق مردم شرط تشکیل دولت است. - نیاز به تأمین صلح و منافع مشترک فلسفهٔ تشکیل دولت است.
مقالهٔ «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، (<i>حبل‌المتین</i> ۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵؛ <i>حبل‌المتین</i> ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۶).	- تأکید بر اصل حاکمیت مردم و تأمین حقوق و منافع مردم و نقد نظریهٔ الهی سلطنت.
(<i>حبل‌المتین</i> ۲۲ صفر ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۳).	- تأکید بر مؤلفهٔ منافع و سرزمین مشترک به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تکوین ملت.
(<i>حبل‌المتین</i> ۱۵ صفر ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۲).	- تأکید بر «مضار و منافع مشترکه» به‌عنوان مؤلفهٔ اساسی تشکیل ملت و فرعی‌بودن «تباينات ظاهریه و اختلافات باطنیه».
مقالهٔ «دولت و ملت» (<i>حبل‌المتین</i> ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۷، س ۶، ش ۳۶).	- شرط موجودیت و ترقی دولت‌ها و ملت‌ها منوط به تحقق اتحاد و شرط تحقق چنین اتحادی منوط به تحقق «امنیت، آزادی، و عدالت» است.
مقالهٔ «مرآت عبرت» (<i>حبل‌المتین</i> ۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۱۷، س ۷، ش ۲۳).	- ترقی مملکت منوط به تحقق اتحاد و اتحاد هم منوط به حاکمیت «قانون، مساوات، و آزادی» است.
(<i>حبل‌المتین</i> ۱۴ محرم ۱۳۱۸، س ۷، ش ۲۵).	- تبیین اصل آزادی در چهارچوب مفهوم حقوق طبیعی انسان و تأکید بر اصل آزادی اندیشه و بیان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دولت و ملت مدرن. - اصل آزادی، شرط تحقق «خیر و محسنات و منافع عمومی» است.
(<i>حبل‌المتین</i> ۱۳ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۷).	- «مراجعت به آرای جمهور و وضع قانون مشورت» و تحقق اصل آزادی و «قانون مساوات» راه‌کار اتحاد دولت و ملت است.
(<i>حبل‌المتین</i> ۲۰ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۸).	- حاکمیت «آزادی افکار و مساوات» به‌جای استبداد موجب تأمین «حقوق ملیه و دولتی» (حقوق شخصی و سیاسی) افراد می‌شود.

مشخصات مقاله	ویژگی‌های دولت و ملت مدرن
(حبل‌المتین ۲۰ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۸).	- حاکمیت «قانون اساسی» در اداره کشور شرط تشکیل دولت است. - «دولت یعنی اتفاق و اتحاد هیئت اجتماعی ملت که فرمان پادشاه، مطابق با آرای عمومی ملت باشد».
(حبل‌المتین ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹، س ۸، ش ۴۱؛ حبل‌المتین ۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۴۳).	- حاکمیت اصل «مساوات» شرط ترقی و تأمین‌کننده «حقوق ملیه» (حقوق فردی) است.
مقاله «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، (حبل‌المتین ۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵).	- تأمین منافع ملت فلسفه تشکیل دولت است.
مقاله «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، (حبل‌المتین ۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۵).	- «ملت اصل و دولت فرع اوست». - «دولت متغیر است و ملت قایم؛ ملت جوهر است و دولت عرض». - «ملت کل و دولت جزء؛ وجود جزء موقوف بر ثبات کل است».

روزنامه حبل‌المتین در بخشی از مقاله «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، آشکارا بر مؤلفه‌های دولت و ملت مدرن اشاره کرده و می‌نویسد:

ملت اصل و دولت فرع اوست. این تحکم و تسلط را ملت به دولت داده، این بزرگی و جلالت از ملت به دولت رسیده. دولت مأموری است از جانب ملت که ملت برای حفظ حقوق و آسایش نوع خود او را تحکم بخشیده. دولت بر ملت دارای همان تحکمی است که از طرف هیئت اجتماعی ملت به او داده شده. شرف و اعتبار و عزت و افتخار دولت به ملت است ... هستی دولت منوط به وجود ملت است. دولت متغیر است و ملت قایم. ملت جوهر است و دولت عرض. اگر هیولای ملت متکون نشدی دولت صورت هستی نبستی. چه بسیار واقع شده که در یک قرن دولتی به چند سلسله تحویل و چند لباس تبدیل نموده و ملت را صورت ملیت برقرار بوده است. ملت کل و دولت جزء؛ وجود جزء موقوف بر ثبات کل است (حبل‌المتین ۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹).

حبل‌المتین در مقاله یادشده، متأثر از اندیشه‌های مدرن، به فلسفه وجودی و چگونگی مشروعیت دولت اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که هدف از تشکیل دولت تأمین امنیت و رفاه ملت است. در تبیین مناسبات دولت و ملت اصالت را به ملت می‌دهد. ملت را منشأ قدرت و مشروعیت دولت می‌داند و دولت را مرجع صاحب‌قدرتی تعریف می‌کند که از سوی ملت برای اداره جامعه و محافظت از حقوق ملت مأموریت یافته است.

هویت مستقل ملت (متشکل از افراد) و عدم وابستگی آن‌ها به دولت ویژگی اساسی دولت مدرن است که مقالهٔ یادشده به این نکتهٔ اساسی توجه کرده است. *حبل‌المتین* بار دیگر در ادامهٔ مقالهٔ «ملخص فروض ملت بر دولت و فروض دولت بر ملت»، بر اصالت و حق تقدم ملت در مناسبات دولت - ملت و مشارکت ملت در قدرت تأکید می‌کند و ملت را مالک و مدافع اصلی مملکت و منشأ قدرت و مشروعیت دولت و تأمین‌کنندهٔ هزینه‌های مالی دولت می‌داند و بر این مبنا، دولت را موظف می‌داند در برابر ملت پاسخ‌گو باشد و حق نظارت بر عملکرد دولت را برای ملت محفوظ می‌داند. این مقاله بر اساس تعریف مدرن از مفهوم دولت - ملت تأکید می‌کند که دولت باید بر مبنای رأی و نظر مردم عمل کند (*حبل‌المتین* ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۱۹).

۴. تعریف *حبل‌المتین* از ایرانیّت و هویت ملی و نقد آن بر اساس پارادایم

مدرنیستی

بر اساس مفروضات و ادعاهای ره‌یافت مدرنیستی ملی‌گرایی، در نقد کاربست عملی *حبل‌المتین* از مفهوم ملت باید گفت با وجود این‌که نشریهٔ یادشده مفهوم ملت را در چهارچوب اندیشهٔ دولت مدرن تعریف می‌کند و در مقالات مختلفی در تبیین مناسبات دولت و ملت بر حقوق‌مندی ملت تأکید می‌ورزد و برخورداری ملت از حقوق را عاملی تعیین‌کننده در ترقی مملکت و حفظ استقلال و تمامیت کشور ارزیابی می‌کند، اما در سال‌های قدرت‌گیری رضاخان تعریفی که از ملت و هویت ملی ارائه می‌دهد در تناقض با اندیشه‌های نخستین خود و در مغایرت با مفروضات و ادعاهای مدرنیستی است و با مفروضات ابدی‌باوری هماهنگ است. اهم ویژگی‌ها و ارکان هویت ملی و ایرانیّت از منظر *حبل‌المتین* به صورت ذیل است:

مشخصات مقاله	ویژگی‌ها و ارکان اساسی هویت ملی و ایرانیّت
مقاله‌های «به خامهٔ یکی از دانشمندان» (<i>حبل‌المتین</i> ۹ ذی‌الحجهٔ ۱۳۲۰، س ۱۰، ش ۲۱)؛ «مدارس و جرائد» (<i>حبل‌المتین</i> ۲ شعبان ۱۳۲۳، س ۱۳، ش ۶)؛ «نالۀ جان‌گداز یا آه جگر سوز» (<i>حبل‌المتین</i> ۱۱ شوال ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۱۳)؛ «لغات اجنبی در زبان پارسی» (<i>حبل‌المتین</i> ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۱۷).	- تأکید بر این نکته که مؤلفهٔ زبان رکن اصلی یا یکی از ارکان اصلی ملیّت و هویت ملی است.
مقالهٔ «راجع به معارف ایران» (<i>حبل‌المتین</i> ۲۲ شوال ۱۳۲۹، س ۱۹، ش ۱۸).	- تعریف هویت ملی و ملت ایران با تأکید بر تاریخ و فرهنگ ایران باستان.

ویژگی‌ها و ارکان اساسی هویت ملی و ایرانیّت	مشخصات مقاله
- معرفی زبان فارسی به‌عنوان مهم‌ترین رکن هویت ملی ایرانیان.	مقاله «زبان و ملیت»، به‌نقل از روزنامه آفتاب (حبیل‌المتین ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵).
- تأکید بر سه مؤلفه «زبان، مذهب، و عادات» به‌عنوان سه رکن مهم «ملیت».	مقاله «جامعه ملیت یعنی چه؟» به‌نقل از روزنامه آفتاب (حبیل‌المتین ۲۴ رجب ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۵).
- معادل هم دانستن قومیت و ملیت؛ تلقی قومی از مسئله ملی و ملیت.	
- تأکید بر مؤلفه زبان به‌عنوان اساس ملیت.	(حبیل‌المتین ۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۱۵).
- تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان عامل اساسی در حفاظت از «شیرازه قومیت و ملیت» ایرانیان.	
- اشاره بر این نکته که «ملت‌ها از یک قومیت و یک زبان شکل می‌گیرند».	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبیل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶).
- تأکید بر این نکته که ترقی و بقای جوامع منوط به «ارتقا و استحکام قومیت» آن جوامع و «استحکام قومیت» نیز منوط به مؤلفه زبان است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبیل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶).
- اشاره به این مسئله که تأثیر «وحدت لغت» (زبان واحد) در ایجاد وحدت و هم‌بستگی، بیش از اشتراک در مذهب است.	
- تأکید بر این مسئله که تداوم و حفظ «اساس قومیت»، منوط به «وحدت لغت» است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبیل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶).
- بقای «جنسیت» و «قومیت و ملیت» ایرانیان وابسته به مؤلفه زبان است.	
- معرفی زبان فارسی به‌عنوان «زبان ملی» و «آینه ملیت» ایرانیان.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبیل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶).
- تأکید بر این نکته که حفظ «ملیت و قومیت» ایرانیان منوط به حفظ زبان فارسی است.	
- تنوع زبانی عاملی برای تهدید وحدت ملی و ایرانیّت است.	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبیل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶).
- تأکید بر ضرورت اجرای سیاست یک‌سان‌سازی زبانی به‌واسطه آموزش «فارسی خالص» به‌عنوان «زبان قومی» و «زبان وطنی».	مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبیل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳، س ۲۳، ش ۶).
- معرفی مؤلفه زبان به‌عنوان یکی از ارکان «ملیت».	مقاله «اسلام زبان ندارد» (حبیل‌المتین ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، س ۳۵، ش ۱۳).
- تأکید بر این نکته که زبان فارسی «زبان ملی» ایرانیان است.	
- معرفی لباس به‌عنوان یکی از ارکان «ملیت» و تأکید بر ضرورت یک‌سان‌سازی لباس ایرانیان به‌منظور تحقق وحدت ملی.	مقاله «اسلام لباس ندارد» (حبیل‌المتین ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، س ۳۵، ش ۱۶).
- تأکید بر این نکته که مؤلفه زبان رکن اساسی ملیت است.	
- ابراز نگرانی از تنوع فرهنگی و زبانی برای هویت و وحدت ملی.	مقاله «اساس اصلاحات» (حبیل‌المتین ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، س ۳۵، ش ۱۶).

نقد هویت ملی و ایرانی‌ت تعریف‌شده در روزنامه *حبل‌المتین* کلکته ... (مهدی فرجی) ۱۷۷

افزون‌بر نکات فوق، مقاله «نجات و سعادت ایران در سایه وحدت زبان ممکن است» نیز مؤلفه زبان را اساس ایرانی‌ت و هویت ملی ایرانیان معرفی کرده و پس از تأکید بر گسترش زبان فارسی و تأکید بر ضرورت متروک‌شدن زبان ترکی در خطه آذربایجان، پیش‌نهادهایی برای تحقق این اهداف ارائه کرده و در بخشی از این مقاله، با اساس‌قراردادن مؤلفه زبان به‌عنوان رکن اساسی ملیت و ایرانی‌ت می‌نویسد:

یک آن اول زبان ملی ما را در محیط آذربایجان تعمیم و نشر فرمایید و محیط پاک ما را از این کلمات بی‌معنی و بی‌سروتنی که با زور شمشیر و وحشت استیلای تاتار و چنگیزها ما را لکه‌دار کرده و شکر خدا را فقط در تکلم محدود مانده، به ادبیات و روح ایرانی‌ت ما حلول نکرده از میان هیئت اجتماعی‌مان زودتر دور فرمایید (*حبل‌المتین* ۱۷ شعبان ۱۳۴۳).

در بخش دیگری از همین مقاله در تحقیر زبان ترکی و مقدس جلوه‌دادن زبان فارسی می‌افزاید:

چگونه باید فهماند بابا، روح عروس حضرت فاطمه، دختر نجیب پادشاه ایران شهربانو از این زبان بیزار است و این کلمات خنک با این شکل، راجع به ملیت ما نبوده و به سبب تکلم این زبان در میان تمام خارجه محقریم و هر آن هر ایرانی بدبخت از طرف اهالی این محیط و از طرف جراید مزاح ترکیه تمسخر می‌شویم (همان).

نویسنده در بخش سوم مقاله، زبان ترکی مردم آذربایجان و زبان عربی مردم خوزستان را مانع ایرانی‌ت می‌داند و می‌نویسد: «ایرانی باسواد، کم‌تر علیقه و حس وطنی دارد، ایرانی‌های بی‌سواد که بعضی زهرآگین عرب‌اند و برخی آلوده ترک، چه‌طور حس وطنی داشته باشند» (همان). راه چاره را در تأسیس و گسترش مدارس ابتدایی در سراسر کشور و تلقین ایرانی‌ت به دانش‌آموزان در کنار تحصیل می‌داند و در این باره می‌نویسد: «به‌جز از راه مدرسه ابتدایی و یاددادن به بچه ایرانی سواد خواندن و نوشتن و به او تلقین کردن که تو ایرانی هستی و ایران روح تو است، دیگر هیچ راهی به‌نظر نمی‌رسد» (همان).

در توضیح نقدی که بر مقالات *حبل‌المتین* وارد است باید گفت که مؤلفه زبان که این روزنامه آن را رکن اصلی ملیت و هویت ملی ترویج می‌کند، بیش‌تر با هم‌بستگی قومی ارتباط دارد (گیدنز ۱۳۹۱: ۳۵۹؛ برتون ۱۳۸۷: ۲۳۵؛ گودرزی ۱۳۸۵: ۳۲، ۴۸-۴۹). روزنامه *حبل‌المتین* در حالی مقوله زبان را به‌عنوان رکن اساسی هویت ملی ترویج می‌کند که هویت ملی فراتر از مقوله زبان یا زبان رسمی است و براساس منافع مشترک تعریف می‌شود.

علاوه بر مورد فوق، تعریف *حبل‌المتین* از هویت ملی دارای ایرادات نظری است. این روزنامه در مقاله «جامعه ملیت چیست؟» مفهوم قومیت و ملیت را در کنار هم و به یک معنی به کار می‌برد. دیگر این که هویت ملی را نه بر اساس منافع و رضایت ساکنین مملکت، بلکه بر اساس مؤلفه‌های عینی و فرهنگی تعریف کرده و در دل تاریخ جست‌وجو می‌کند و مشخصاً اعلام می‌کند که علت از بین رفتن جامعه ملیت برخی از اقوام در طول تاریخ این است که سه مؤلفه زبان، مذهب، و آداب و رسوم خود را در مواجهه با بیگانگان از دست داده‌اند (*حبل‌المتین* ۲۴ رجب ۱۳۳۱). افزون‌بر این، ضرورت تعریف و تشکیل هویت ملی و ملت را برای بازشناسی از غیر مطرح کرده و علت از بین رفتن هویت ملی یا به تعبیر خودش جامعه ملیت را ناتوانی از مواجهه با بیگانگان تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، هویت ملی و ملیت از منظر این مقاله به منظور مقابله با نفوذ اجانب و هجمه‌های آن‌ها تعریف و سازمان‌دهی می‌شود. یعنی ملی‌گرایی و هویت ملی نه بر اساس منافع ملی و کارکرد داخلی، به گونه‌ای که دولت و ملت در معنای مدرن از حقوق و وظایف خود آگاه و در حفظ آن‌ها کوشا باشند، بلکه برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی در قبال تشبثات بیگانگان تعریف می‌شود.

در نقد رویکرد مزبور باید اشاره کرد افزون‌بر این که ملی‌گرایی و هویت ملی باید موجب بازشناسی یک ملت از دیگر ملت‌ها و موجب وحدت جامعه در برابر تهدیدات خارجی باشد، الزامات داخلی و مهم‌تر دیگری نیز دارد. مهم‌ترین لازمه ملی‌گرایی و هویت ملی این است که باید بر اساس حق حاکمیت ملت و نیز بر پایه منافع و مؤلفه‌های مشترک ساکنین آن شکل گیرد. مضاف‌براین، تعیین و تضمین حقوق و وظایف متقابل دولت و ملت و دموکراتیک کردن سیاست از ویژگی‌های دولت - ملت در معنای مدرن است. دولت ملی دولتی است که نخستین بار پس از انقلاب‌های دموکراتیک قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ به وجود آمد و تحولی در خاستگاه مشروعیت سنتی حکومت‌ها ایجاد کرد. پس از تحولات فکری و سیاسی صورت گرفته در اروپا، دولت ملی دولتی تعریف می‌شد که مشروعیتش بر پایه اصل «نماینده‌گی» از پایین، یعنی از موجودیت مدرنی به نام ملت (nation) تأمین می‌شد.^۲ تحقق این موجودیت مدرن (ملت) نیز منوط به تحقق حق حاکمیت ملت بود (داوری ۱۳۶۵: ۲۷، ۳۲). بر همین اساس می‌توان گفت که *حبل‌المتین* در ملی‌گرایی و تعریف هویت ملی توجهی به الزامات داخلی آن نمی‌کند. ایراد دیگر مقاله مزبور این است که مؤلفه‌های سه‌گانه‌ای که به عنوان ارکان سازنده هویت ملی برمی‌شمارد، مؤلفه‌های هم‌بستگی قومی هستند و هویت ملی در معنای مدرن فراتر از مؤلفه‌های قومیت

و زبان و مذهب و تبار است. اساس هویت ملی مبتنی بر منافع مشترک است. ترویج تعریفی که ریشه ملت و هویت ملی را در دل تاریخ و با مؤلفه‌های هم‌بستگی قومی جست‌وجو می‌کند نشان می‌دهد که *حبل‌المتین* درک صحیحی از مفهوم مدرن ملت و هویت ملی ندارد و یا بنا به هر دلیلی به اصول مفهوم یادشده پای‌بند نمانده است.

آنچه در هویت ملی و تعریف مدرن ملت باید اساس قرار گیرد، منافع ملی است و بر این اساس اگرچه مؤلفه زبان و مذهب در شکل‌گیری و حفاظت از هویت ملی می‌توانند کمک‌حال باشند، لکن شرط اساسی و کافی نیستند. شرط اساسی و کافی باید مؤلفه‌هایی باشند که با نبود آن‌ها هویت ملی از بین می‌رود. با فقدان و تضعیف زبان هویت و هم‌بستگی قومی از بین می‌رود نه هویت ملی. هویت ملی قائم به مؤلفه زبان نبوده و نیست. مؤلفه‌های اساسی هویت ملی سرزمین مشترک، منافع سیاسی و اقتصادی مشترک، دولت مشترک، حقوق و نهادهای مشترک، و احساس روان‌شناختی مشترک در تعلق به آن منافع مشترک و در دفاع از آن‌هاست (صدرالاشرفی ۱۳۸۶: ۶۶) که با از میان رفتنشان هویت ملی به خطر می‌افتد و از بین می‌رود.

رضا داوری در مباحث خود درباره ملی‌گرایی و ملت به‌درستی اشاره می‌کند که مؤلفه زبان، رکن اساسی ملت نیست چراکه «اشتراک در زبان از حیث زمان مقدم بر پیدایش ملت نیست و ای‌بسا که ملت به‌وجود می‌آید و زبان مشترک با پیدایش ملت قوام پیدا می‌کند» (داوری ۱۳۶۵: ۳۷). وی در تبیین نسبت زبان مشترک و شکل‌گیری ملت در کتاب *ناسیونالیسم و انقلاب نکات قابل‌تأملی* دارد که در نقد ملت و ایرانی‌ت مورد تعریف مقالات *حبل‌المتین* نیز مفید است. او بر این باور است که زبان فارسی در قرن دوم هجری در حال شکل‌گیری بود و در حال تبدیل شدن به زبان علم و ادب بود، اما ملت ایران با پیدایش زبان فارسی به‌وجود نیامد. زبان مشترک یکی از شروط وجود ملت است و معمولاً هم‌راه با پیدایش ملت زبان ملی هم به‌وجود می‌آید، نه این‌که هروقت زبانی شکل می‌گیرد و هر مردمی که زبان مشترک دارند و هر جا که زبانی به‌وجود می‌آید ملتی هم تشکیل می‌شود. احتمال دارد مردمی زبان مشترک داشته باشند، اما با وجود آن نتوان عنوان مدرن ملت بر آن‌ها اطلاق کرد. از طرف دیگر ممکن است که چندین ملت به یک زبان حرف بزنند، ولی یک ملت نباشند. مردم کشورهای مختلفی در جهان به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند و زبان رسمی آن‌ها انگلیسی است، اما همه آن‌ها جزء یک ملت نیستند. اشتراک در یک زبان برای تحقق ملت کافی نیست (داوری ۱۳۶۵: ۳۷-۳۸) ملت زمانی پدید می‌آید که مردم به حق حاکمیت خود آگاه شوند و قانون‌گذار باشند (داوری ۱۳۶۵: ۲۷، ۳۲، ۴۰، ۴۲).

به کاربردن مفهوم قومیت یا قومیت و نوعیت به جای هویت ملی (حبل‌المتین ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۰)؛ منوط کردن هویت ملی به زبان در مقالات متعددی که پیش‌تر معرفی و بررسی شدند؛ ورود لغات عربی به زبان فارسی را باعث تضعیف هویت و فرهنگ ایرانی دانستن (حبل‌المتین ۲۲ شوال ۱۳۲۹)؛ تکریم شاه‌نامه فردوسی و افسانه‌های کیومرث، هوشنگ، جمشید، و فریدون و جست‌وجوی ایرانیت در دوره باستان (حبل‌المتین ۲۲ شوال ۱۳۲۹)؛ ایران را «مملکت کی خسرو و کی قباد» تلقی کردن و حسرت خوردن به شکوه ایران باستان (حبل‌المتین ۲۲ شوال ۱۳۲۹)؛ پذیرش «زبان، مذهب، و عادات» به‌عنوان مهم‌ترین ارکان ملیت و هویت ملی (حبل‌المتین ۲۴ رجب ۱۳۳۱)؛ به‌کارگیری مترادف دو مفهوم متفاوت قومیت و ملیت و پیش‌کشیدن مفاهیم ژنتیکی در تعریف ایرانیت در جایی که می‌نویسد: «ما تحصیل کرده‌هایی لازم داریم که خون ایرانیت را تحصیلات در عروق آن‌ها فاسد نکرده ...» (حبل‌المتین ۲۴ رجب ۱۳۳۱) و جایی که حفظ جنسیت ایرانیان و قومیت و ملیت آن‌ها را منوط به حفظ زبان فارسی عنوان می‌کند (حبل‌المتین ۲۴ رجب ۱۳۳۱)؛ تعریف هویت ملی براساس زبان واحد (حبل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳)؛ معرفی زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و آینه ملیت ایرانیان و تأکید بر ضرورت حفظ ملیت و قومیت ایرانی از راه حفظ زبان ملی در مقاله «استعلاء و استدامه قومیت» (حبل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳)؛ تأکید بر متروک‌ساختن زبان ترکی، اساس قراردادن مؤلفه زبان در تعریف هویت ملی، تأکید بر راه‌برد یک‌سان‌سازی زبانی در مقاله «نجات و سعادت ایران در سایه وحدت زبان ممکن است»؛ تحقیر زبان ترکی و مقدس جلوه‌دادن زبان فارسی در مقاله مزبور؛ پیوند زدن هویت ملی به گذشته و متوسل شدن به روایت مشکوک ازدواج حسین بن علی (ع) با شهربانو^۳ و ادعای بیزاربودن شهربانو از زبان ترکی (حبل‌المتین ۳۰ رجب ۱۳۳۳)؛ برابر دانستن تکلم به زبان فارسی با ایرانیت، تلقی تهدیدآمیز از زبان‌های ترکی و عربی مردم آذربایجان و خوزستان برای ایرانیت و مغایر فرض کردن تکلم به زبان‌های غیرفارسی با ایرانیت در مقاله «ضررهای معارف ایران» (حبل‌المتین ۱۷ شعبان ۱۳۴۳)؛ معرفی آذربایجان در مقاله مزبور به‌عنوان سرزمین باستانی و «مینو نشان» که «آتش زرتشت» در آن شعله‌ور بوده و ادعای این‌که آذربایجانی‌ها از نژاد ایرانی‌اند و زبان ترکی آذربایجانی‌ها میراث تهاجم چنگیز است (حبل‌المتین ۱۷ شعبان ۱۳۴۳)؛ مغایردانستن زبان ترکی مردم آذربایجان و زبان عربی مردم خوزستان با ایرانیت در مقاله دیگری به نام «نجات و سعادت ایران در سایه وحدت زبان ممکن است»، و طرح ضرورت تلقین ایرانیت به دانش‌آموزان غیرفارسی‌زبان سراسر کشور (حبل‌المتین ۹ رمضان ۱۳۴۳)؛ همراهی با رویکرد مجله آینده و سردبیر آن (محمود افشار)

مبنی بر مغایرت تنوع زبانی و فرهنگی با ایرانی‌ت و نیز هم‌راهی با این مجله در پروژه به اصطلاح ایرانی‌نمودن اقوام ایران از طریق یک‌سان‌سازی زبانی و فرهنگی (*حبل‌المتین* ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۴۴) همگی داده‌های مهمی هستند که رویکرد و پارادایم *حبل‌المتین* در تعریف و ساخت ملت و ملیت را آشکار می‌کنند و نشان می‌دهند که نشریه یادشده در تعریف و ساخت هویت ملی و ایرانی‌ت به جای تأکید بر مؤلفه‌ها و منافع مشترک ساکنان سرزمین ایران، در حالی بر مؤلفه زبان تأکید می‌کند که عده کثیری از ایرانیان به زبانی غیر از زبان فارسی تکلم می‌کنند. علاوه بر آن، در مواردی مفاهیم قومیت و ملیت را برابر می‌گیرد و ریشه هویت ملی و ایرانی‌ت را در تاریخ و نمادهای باستانی جست‌وجو می‌کند و نیز تنوع قومی و زبانی را مانع ایرانی‌ت و اقوام غیرفارسی‌زبان را غیرایرانی محسوب می‌کند، یک‌سان‌سازی زبانی را مهم‌ترین راه ایرانی‌کردن اقوام غیرفارسی‌زبان و مهم‌ترین وسیله ساخت هویت ملی و ایرانی‌ت عنوان می‌کند. بر این اساس، رویکرد *حبل‌المتین* رویکرد و رهیافتی است که با غفلت از اصول و مبانی ملت و ملی‌گرایی و هویت ملی مدرن عرضه می‌شود و با رویکرد و مفروضات ابدی‌باوری و ملی‌گرایی ارگانیک و به تعبیر دیگر با تعریف قومی - فرهنگی از ملت مطابقت دارد. ملت قومی - فرهنگی هم‌پی‌آمدهای زبان‌باری دارد. چون این نوع از تعریف و ساخت ملت، گروه‌های دیگر را طرد می‌کند و با آن‌ها ناسازگار است و چون اعضای خود را گرامی می‌دارد و کسانی را که از لحاظ قومی و فرهنگی متفاوت‌اند نمی‌پذیرد، ناچار به نژادپرستی روی می‌آورد و به اقدامات افراطی از قبیل جابه‌جایی توده‌های مردم، کشتار جمعی، پاک‌سازی قومی، یا نسل‌کشی می‌انجامد (باربیه ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۵). هم‌چنین این تعریف از ملت به سبب این که ملت را برتر از فرد می‌داند پروژه دولت مدرن را تهدید می‌کند. زیرا منافع و حقوق افراد را قربانی جمعی به نام ملت می‌کند و اوضاع را برای گذار از دولت پیشامدرن به دولت مدرن دشوار می‌کند (باربیه ۱۳۹۲: ۲۲).

علی‌رغم این که مجموعه مقالات *حبل‌المتین* به مقولات استقلال ملی، وحدت ملی، و هویت ملی به عنوان سه هدف اساسی ملی‌گرایی توجه دارد، لکن دریافت کامل و مدرنی از این سه مفهوم ندارد و در تعریف و تحقق آن‌ها با غفلت‌هایی مواجه است. در بحث استقلال، افزون بر این که استقلال عبارت از رهایی از هرگونه اجبار خارجی است، متضمن آزادی سیاسی و حق تعیین سرنوشت برای مردم در داخل مملکت نیز هست. نکته دیگر این که *حبل‌المتین* مفهوم وحدت سرزمینی را با یک‌سان‌سازی ملت اشتباه گرفته است. در رویکرد مدرن به ملت و ملی‌گرایی، ایدئال ملی‌گرایی وحدت به دنبال یک‌سان‌سازی عینی

فرهنگی و شبیه‌سازی نیست، بلکه خواهان این است که اعضای ملت از احساس الفت و هم‌بستگی برخوردار باشند و بر همین اساس دربارهٔ همهٔ مسائلی که دارای اهمیت ملی است هماهنگ و هم‌صدا با هم عمل کنند (اسمیت ۱۳۸۳: ۴۱-۴۳). اما با وجود این، روشن‌فکرانی از قبیل اعضای محفل *حبل‌المتین*، با رویکرد ابدی‌باوری و با تلقی ارگانیک در تعریف هویت ملی و ایرانیت، به یک‌سان‌سازی زبانی و فرهنگی نظر داشتند. چنین تعریفی به دلیل احساس خطر از تنوع قومی و فرهنگی و نادیده‌گرفتن حقوق و استقلال افراد و نیز مغایرت با رضایت و منافع ساکنین کشور، علاوه بر این که مغایر با تعریف مدرن از ملت بود، اساساً مدرنیتهٔ سیاسی را نیز که مبتنی بر جدایی میان دولت سیاسی و جامعهٔ مدنی، جدایی میان عرصهٔ عمومی و عرصهٔ خصوصی و میان شهروند و فرد بود با تهدید مواجه می‌کرد.

۵. نتیجه‌گیری

روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته یکی از محافل تأثیرگذار روشن‌فکری ایران بود که در دهه‌های پایانی عهد قاجاریه و نخستین سال‌های دورهٔ پهلوی با دغدغهٔ ترقی ایران به فعالیت فکری و قلمی می‌پرداخت. این نشریه همانند دیگر روشن‌فکران این دوره نظام خودکامهٔ شخص‌محور را ام‌الفساد همهٔ تباهی‌ها و ناکارآمدی‌های مملکت تشخیص می‌داد و استقرار دولت دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی را مهم‌ترین راه‌کار برون‌رفت از وضع موجود می‌دانست. از همین رو در مقالات متعددی بر ضرورت استقرار دولت مدرن در ایران تأکید کرده و به تبیین اساسی‌ترین معیارهای دولت و ملت مدرن پرداخته است. لکن به‌رغم دریافت مدرن از مفهوم ملت، تعریفش از ایرانیت و هویت ملی ایرانیان مغایر با مؤلفه‌های مدرن ملت و ملی‌گرایی است. نخست این که تعریف *حبل‌المتین* از ملت و ایرانیت با تأکید بر حق حاکمیت و قانون‌گذاری ملت و براساس مشارکت، اراده، و یا رضایت ضمنی ساکنان ایران تعریف نشده است. یعنی ملت و ایرانیتی را که تعریف می‌کند نخبگان از بالا باید طراحی کنند و دولت باید آن را اعمال و تحمیل کند. دوم این که با چنین تعریفی، هویت بسیاری از ایرانیان در معرض فراموشی و نابودی قرار می‌گرفت و در نهایت به برخوردارای عده‌ای از ایرانیان از حقوق و امتیازات مختلف و محروم‌ماندن عدهٔ دیگر منجر می‌شد و این مغایر با اصل مساوات و حقوق‌مندی تأکیدشدهٔ دولت مدرن و دریافت سیاسی از ملت بود. سوم این که ایرانیت و هویت ملی مورد تعریف و تأکید مقالات *حبل‌المتین* نه

براساس مؤلفه‌های ملت مدرن، بلکه براساس مؤلفه‌های قومی و پیشامدرن از قبیل زبان، تاریخ، و نمادهای باستانی و خصوصیات عینی ارائه می‌شود و درنهایت به سیاست یک‌سان‌سازی زبانی منتهی می‌شود. از منظر پارادایم مدرنیستی، مؤلفهٔ زبان جزء مؤلفه‌های هم‌بستگی قومی و ایلی است و این نوع از هم‌بستگی مرحله‌ای قبل از مرحلهٔ هم‌بستگی ملی است و با آن فاصله دارد. زیرا منافع ملی (منافع آحاد ملت) را تأمین نمی‌کند و به سیاست یک‌سان‌سازی زبانی می‌انجامد. سخن آخر این که ایرانیّت و ملی‌گرایی موردتعریف و ترویج *حبل‌المتین* پدیده‌ای ساخته‌شده براساس توافق و قرارداد نیست، بلکه موجودیتی تاریخی و سخت است که باید واجد برخی صفات و کیفیات خاص ازپیش‌تعیین‌شده باشد. ملت مدنظر *حبل‌المتین* برعکس ملت مدرن (ملت سیاسی) که می‌تواند متنوع و یا چندپاره باشد و با اهداف و منافع گوناگون شکل بگیرد، منحصراً باید یک‌دست و با خصلت واحدی باشد. درواقع تعریف *حبل‌المتین* از مفهوم ملت و هویت ملی با تعریف ابدی‌باوران و تعریف قومی - فرهنگی از ملت متناسب است و نسبتی با ملت مدرن ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته دربارهٔ اندیشه‌های روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته عبارت‌اند از: مهدی فرجی (۱۳۹۶)، «موضع فکری و عملکرد سیاسی روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته در منازعهٔ مشروطه‌خواهی و مشروطه‌طلبی»، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی مشروطیت: رویکردها و جریان‌های فکری - سیاسی در مشروطیت ایران، تبریز: دانشگاه تبریز؛ شیرین شریفی، غلامحسین زرگری‌نژاد، و سینا فروزش (۱۳۹۵)، «بررسی حمل‌ونقل در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، براساس مندرجات روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته»، پژوهش‌نامهٔ تاریخ، س ۱۱، ش ۴۴؛ قباد منصوربخت و مهدی فرجی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «مفهوم و ارکان مشروطیت در روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته»، جامعه‌شناسی تاریخی، دورهٔ ۷، ش ۳؛ مهدی فرجی (۱۳۹۳)، *الگوی اصلاح و نوسازی ایران دورهٔ قاجار از منظر منورالفکران ایرانی هند با تکیه بر روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته* (۱۳۴۶-۱۳۱۳ ق / ۱۳۰۶-۱۲۷۴ ش)، رسالهٔ دکتری، دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. برای آشنایی با روند تحول نظام‌های سیاسی سنتی به‌شکل جدید دولت - ملت و ویژگی دولت ملی، بنگرید به هابس باوم ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۳۲؛ برتون ۱۳۸۷: ۲۵۸-۲۵۹؛ داوری ۱۳۶۵: ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۷.
۳. آرتور کریستن‌سن، پژوهش‌گر تاریخ ساسانیان، ماجرای ازدواج حسین بن علی با شهربانو دختر یزدگرد سوم را ثابت‌شده نمی‌داند (کریستن‌سن ۱۳۸۴: ۳۶۴)، مرتضی مطهری نیز این مسئله را مشکوک می‌داند (مطهری ۱۳۷۷: ۱۱۶-۱۱۷).

کتابنامه

- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۹۴)، *ناسیونالیسم و مدرنیسم*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: ثالث.
- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- افشار، محمود (۱۳۵۲)، *آینده*، ج ۱، تهران.
- باریبه، موریس (۱۳۹۲)، *مدرنیته سیاسی*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه.
- برتون، رولان (۱۳۸۷)، *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی.
- حبل‌المتین (۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۷)، س ۶، ش ۳۶.
- حبل‌المتین (۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۱۷)، س ۷، ش ۲۳.
- حبل‌المتین (۱۴ محرم ۱۳۱۸)، س ۷، ش ۲۵.
- حبل‌المتین (۱۵ صفر ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۳۲.
- حبل‌المتین (۲۲ صفر ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۳۳.
- حبل‌المتین (۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۳۵.
- حبل‌المتین (۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۳۶.
- حبل‌المتین (۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۳۸.
- حبل‌المتین (۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۴۱.
- حبل‌المتین (۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۹)، س ۸، ش ۴۳.
- حبل‌المتین (۱۹ محرم ۱۳۲۰)، س ۹، ش ۲۶.
- حبل‌المتین (۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۰)، س ۱۰، ش ۲۱.
- حبل‌المتین (۲ شعبان ۱۳۲۳)، س ۱۳، ش ۶.
- حبل‌المتین (۱۳ محرم ۱۳۲۴)، س ۱۳، ش ۲۷.
- حبل‌المتین (۲۰ محرم ۱۳۲۴)، س ۱۳، ش ۲۸.
- حبل‌المتین (۲۲ شوال ۱۳۲۹)، س ۱۹، ش ۱۸.
- حبل‌المتین (۲۴ رجب ۱۳۳۱)، س ۲۱، ش ۵.
- حبل‌المتین (۳۰ رجب ۱۳۳۳)، س ۲۳، ش ۶.
- حبل‌المتین (۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۱)، س ۲۱، ش ۱۵.
- حبل‌المتین (۱۱ شوال ۱۳۳۳)، س ۲۳، ش ۱۳.
- حبل‌المتین (۱۷ شعبان ۱۳۴۳)، س ۳۳، ش ۷.
- حبل‌المتین (۹ رمضان ۱۳۴۳)، س ۳۳، ش ۹.
- حبل‌المتین (۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۳)، س ۳۳، ش ۱۷.

نقد هویت ملی و ایرانی‌ت تعریف‌شده در روزنامهٔ *حبل‌المتین* کلکته ... (مهدی فرجی) ۱۸۵

حبل‌المتین (۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۴۴)، س ۳۳، ش ۳۴.

حبل‌المتین (۲۳ اسفند ۱۳۰۵)، س ۳۵، ش ۱۳.

حبل‌المتین (۲۲ فروردین ۱۳۰۶)، س ۳۵، ش ۱۶.

داوری، رضا (۱۳۶۵)، *ناسیونالیسم و انقلاب*، تهران: دفتر پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی.

صدرالاشرفی، ضیاءالدین (۱۳۸۶)، *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*، تهران: اندیشه نو.

کریستنسن، آرتور (۱۳۸۴)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.

گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: تمدن ایرانی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: صدرا.

هابس باوم، اریک جی. (۱۳۸۳)، *ملت و ملی‌گرایی*، ترجمه علی باش، مشهد: مهر دامون.

Bellemy, Richard (2007), *Political Constitutionalism: a Republican Defence of the Constitutionality of Democracy*, New York: Cambridge University Press.

Loughlin, Martin (2015), "The Constitutional Imagination", *The Modern Law Review*, vol. 78, no. 1.

Murkens, Jo Eric Khushal (2009), "The Quest for Constitutionalism in UK Public Law Discourse", *Oxford Journal of Legal Studies*, vol. 29, no. 3.